

تربیت فرزندان

برای آنکه والد سبک فرزندپروری مناسب داشته باشد باید بین میزان پذیرش نسبت به فرزند خود و کنترل بر او تعادل ایجاد کند.

سبک‌های فرزندپروری ترکیبی از میزان پذیرش و کنترل فرد در خانواده است: برای آنکه والد سبک فرزندپروری مناسب داشته باشد باید بین میزان پذیرش نسبت به فرزند خود و کنترل بر او تعادل ایجاد کند، یعنی کنترل ما بر فرزندان نباید صفر یا ۱۰۰ باشد. اگر والد سخت‌گیر و بیش از اندازه کنترل داشته باشد، سبب می‌شود عزت نفس و اعتماد به نفس فرزندش به شدت افت کند و در آینده فرد مضطربی باشد. در مقابل اگر کنترل صفر یا بسیار کم شود، فرزند لوس و پرتوقع بار خواهد آمد که در برابر کوچکترین مشکلات شانه خالی می‌کند و آسیب‌پذیر می‌شود.

در روان‌شناسی مثالی با این محتوا وجود دارد که زمانی که در جیب خود پولی ندارید نمی‌توانید به کسی قرض بدهید، بنابراین اگر والدی هستیم که رفتار مخربی داریم، نمی‌توانیم فرزند شایسته تربیت کنیم، چراکه فرزند ما بیشتر از رفتار ما می‌آموزد تا از گفتار ما. پیشنهاد می‌شود والدین کتابهای مفید بی‌شماری که در این حوزه به چاپ رسیده را مطالعه یا به مشاور مراجعه کنند تا مهارت‌های مورد نیاز را کسب کنند.

مادران چگونه می‌توانند سبک دلبستگی ایمن در کودکان خود ایجاد کنند؟

پژوهش‌ها حاکی از آن است که زمانی که سبک‌های دلبستگی شکل می‌گیرند، در آینده به سختی تغییر می‌یابند. بر اساس آمار، ۱۰ درصد از جمعیت جهان سبک دلبستگی ناایمن دارند. گرچه ۹۰ درصد دلبستگی ایمن درصد خوبی است اما ۱۰ درصد از جمعیت جهان نیز عدد قابل توجهی است.

مادر علاوه بر برطرف کردن نیازهای فیزیولوژیک کودک خود مانند به موقع شیر دادن و ...، باید نیازهای عاطفی فرزند خود را رفع کند. از جمله این نیازها به موقع در آغوش گرفتن، نوازش و محبت کردن است که بسترهای لازم برای امنیت روانی کودک را فراهم می‌کند.

تغییر در نگرش افراد، تحصیل، عقلانیت، فردگرایی و گسترش رسانه به ویژه در بانوان است. همه افراد در جامعه رشد می‌کنند و تربیت می‌شوند و این پرورش، زمینه جامعه‌پذیری و پاسخگویی به انتظارات جامعه در مراحل بعدی زندگی افراد را فراهم می‌کند. هر پدر و مادری عادات فرهنگی خود را به کودکش آموزش می‌دهد و بسیاری از عادات مسیر زندگی فرد را تعیین می‌کند. در کنار این، آموزش مدرسه نیز در تغییر و رشد اخلاق و رفتار افراد نقش مهمی دارد.

مادر نقش بسیار مهمی در به‌هنجار کردن افراد بر عهده دارد. مادر امروز مادری تحصیل کرده است که وارد حوزه عمومی شده و قدرت تصمیم‌گیری را در خانواده و اجتماع تجربه می‌کند. از سوی دیگر نظارت بر فرزندان در محیط خانواده به شکل دیگری تغییر کرده است.

بیشترین موردی که افراد از آن گله دارند عدم اعتماد والدین مخصوصاً مادر به آنهاست و زمانی که دلیل این بی‌اعتمادی را از والدین جویا می‌شویم آنها می‌گویند احساس می‌کنیم دوستانی که فرزند ما با آنها در ارتباط هستند قابل اطمینان نیستند و همین موضوع سبب می‌شود فرزندان به سمت دروغگویی و پنهان‌کاری حرکت کنند. بنابراین لازمه گفت‌وگو در خانواده بستر سازی برای اعتماد است.

آنچه که در سال‌های نخستین تولد فرد بسیار اهمیت دارد و عموماً نسبت به آن بی‌توجهی می‌شود، سبک دلبستگی است که از سوی مادر به فرزند القا می‌شود. نخستین سال زندگی کودک مرحله اعتماد در برابر بی‌اعتمادی است که برای رشد اجتماعی کودک بسیار حیاتی است. در این برهه از زندگی فرد، مادر مهمترین نقش را بر عهده دارد تا بتواند سبک دلبستگی ایمن را برای فرزند بر جای بگذارد و فرزند او ثمرات این اعتماد را تا بزرگسالی و هنگام حضور در اجتماع و زمان ارتباط با دیگر افراد جامعه بروز دهد.

در صورتی که سبک دلبستگی ایمن در کودک نهادینه نشود، در دو حوزه اضطرابی و اجتنابی خود را نمایان می‌کند و به تبع آن در روابط او تأثیرات مخربی خواهد داشت و همواره در هنگام برقرار ارتباط نگران و پریشان است.